

فرصت ثبت‌نام کلاس‌اولی‌ها تمدید شد

رضوان حکیم‌زاده، معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش به بیان جزئیاتی درباره تمدید فرصت ثبت‌نام دانش‌آموزان کلاس‌اولی در مدارس پرداخت و گفت: در دستورالعمل ثبت‌نام پیش‌بینی شده بود که برای دوره ابتدایی و پایه‌اول دبستان، فرصت ثبت‌نام از اول خرداد تا ۱۰ تیر باشد و افزود: با توجه به شرایط اخیر و احتمال سفر، برخی از خانواده‌ها نتوانستند اقدامات لازم را انجام دهند بنابراین فرصت ثبت‌نام پایه اول دبستان را تمدید کردیم و آنها تا پایان تیرماه می‌توانند ثبت‌نام کنند. بنابراین خانواده‌ها نگران نباشند، مدارس و ستادها ثبت‌نام همکاری لازم را برای ثبت‌نام دانش‌آموزان دوره ابتدایی انجام می‌دهند. حکیم‌زاده در ادامه درباره حمایت تحصیلی از دانش‌آموزان دوره ابتدایی با پایه تحصیلی ضعیف اظهار کرد: برای دانش‌آموزانی که همچنان نمرات ضعیف دارند در طول تابستان برنامه جبرانی اجرا می‌شود و تحت نظارت مدیر مدرسه، به پایگاه‌های خاصی مراجعه خواهند کرد.

رشد ۴برابری دستگیری اتباع غیرمجاز

محمدصادق معتمدیان، استاندار تهران درخصوص وضعیت اتباع غیرمجاز در تهران گفت: میزان دستگیری اتباع غیرمجاز نسبت به گذشته تا ۴ برابر افزایش یافته و این افراد پس از شناسایی و جمع‌آوری، با حفظ کرامت انسانی به کشورهای مبدأ بازگردانده می‌شوند. او با اشاره به اولویت‌های امنیتی و اجتماعی استان، تأکید کرد: امنیت پایتخت خط قرمز مدیریت استان است و در این راستا، هیچ‌گونه ممانعتی با ورود و حضور غیرقانونی اتباع غیرمجاز صورت نخواهد گرفت. با برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده و هماهنگی بین‌دستگاهی، روند شناسایی، دستگیری و بازگرداندن اتباع غیرمجاز با شدت بیشتری دنبال می‌شود و شاهد رشد ۳تا ۴برابری آمار دستگیری اتباع خارجی غیرمجاز در مقایسه با ماه‌های گذشته هستیم.

ایران جان!

روایت‌ساز اول



فاطمه عسگر نیا

روزنامه‌نگار

جنگ ۱۲ روزه رژیم جنایتکار اسرائیل علیه ایران یادگاری‌های دلخراش زیادی به جا گذاشت؛ از ساختمان‌های ویران‌شده تا شهدای غیرنظامی که قربانی زباده‌خواهی دشمنان شدند. در میانه پلازای شهری میدان هفتم‌تیر در کنار تمام اسناد جنایات جنگ ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی، آمبولانس سوخته هلال احمر به عنوان یک نماد تاریخی توجه شهروندان را به‌صورت ویژه به خود جلب می‌کند. نگش دیگر سفید نیست. نه از آرم سرخ‌رنگ هلال‌احمر روی بدنه‌اش چیزی به جا مانده نه از بی‌سیم، صدلی، فرمان و شیشه. کاملاً سوخته است؛ آن‌هم زیر بار آتش دشمنانی که به رنگ سفیدش توجهی نداشتند. قصه سرخ و سفیدپوشانی که طبق قوانین بین‌المللی باید از هر گونه تجاوز و خطر در طول جنگ‌ها مصون باشند اما در این جنگ انگار قوانین هم دیگر برای دشمن مفهومی نداشت. دور تا دور آمبولانس را که می‌گردیم، از هر گوشه‌اش قصه آخرین ماموریت روایت می‌شود؛ آخرین ماموریت مجتبی ملکی و امیر حسن جمشیدپور ۱۲امدادگر دهه‌هفتادی که هنوز رفتای امدادگرشان رفتنشان را باور ندارند؛ روز ۲۶ خرداد؛ چهارمین روز جنگ. مجتبی و امیر حسن همراه با دوستان امدادگرشان مشغول امدادرسانی به مردم آسیب‌دیده از حملات جنگی رژیم صهیونیستی بودند؛ آن‌هم زیر آتشبار دشمن. دوستان امدادگرشان وقتی قصه آن‌روز را روایت می‌کنند از رشادت‌های این دو جوان دهه‌هفتادی می‌گویند؛ از سرترس‌شان و رشادت‌هایی که در این جنگ نشان دادند: «فقط به یک چیز فکر می‌کردند؛ نجات جان مردم». حالا آمبولانسی که این دو در آن بودند و بی‌رحمانه مورد حملات دشمن قرار گرفت، به‌عنوان نماد ایستادگی، جوانمردی و سند جنایت اسرائیل در میدان هفتم‌تیر قرار گرفته و هر روز توسط مردم قدردان گلیباران می‌شود؛ آمبولانسی که به جای آرم هلال سرخ‌رنگ، روی تن سوخته‌اش نوشته‌اند ایران جان!



سامانه رصد مداوم انسجام اجتماعی ایجاد می‌شود

سید محمد بطحایی، رئیس سازمان امور اجتماعی: سامانه‌ای برای رصد مداوم انسجام اجتماعی در حال آماده‌سازی است چراکه انسجام اجتماعی خط قرمز امنیت ملی است و هر رفتار یا تصمیمی که این انسجام را خدشه‌دار کند، باید به سرعت شناسایی و تذکر داده شود.



فرهیختگان قلبشان برای ایران می‌تپد

سید عباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی: شاهد جلوه‌ای کم‌نظیر از همدلی و همراهی اهالی فرهنگ، ادب، هنر و رسانه با سرزمین مادری‌شان بودیم. فرهیختگان فرهنگ و هنر، با کنار نهادن مرزبندی‌های سلیقه‌ای، انتقادات و اختلافات، نشان دادند در بزرگه‌های تاریخی، قلب‌شان برای ایران می‌تپد.

عزای حسین‌ع، عزای شهیدان ایران

مردم ایران، کوچه و خیابان‌ها را آماده عزای امام حسین‌ع و شهدای جنگ تحمیلی کردند

فهیمة طباطبائی

روزنامه‌نگار

امسال شروع محرم با همه سال‌های دیگر فرق می‌کند. ایران امسال زودتر از محرم، رنگ و بوی شهادت و آزادگی گرفته است. مردان، زنان و کودکان، نظامی و غیرنظامی زیر بمباران وحشیانه اسرائیل به شهادت رسیدند و خوششان ایران را گلگون کرد. حالا شهر در حال آماده‌شدن برای عزاداری سیدالشهدا و خون‌های به ناحق ریخته شده ۶۱۰ شهید جنگ تحمیلی اسرائیل به ایران شده است.

شهر آماده محرم

میدان قیام، پایین پل ری، یک روز بعد از اعلام آتش‌بس، مردم در حال زدن سیاهی برای شروع ماه محرم هستند، آنقدر تعداد کسانی که در تکیه ضلع شرقی میدان مشغول تدارکات هستند زیاد است که انگار نه انگار که فقط یک روز از جنگ گذشته؛ امیرعلی‌که که مشغول نصب پرچم است، می‌گوید: «امسال محرم با همه محرم‌های قبل فرق دارد. امسال عزاداری ما واقعی‌تر است، چون صدها شهید دادیم و یکه و تنها در مقابل سپاه ظلم و جور جنگیدیم. محرم امسال را پررنگ‌تر و بهتر بر گزار می‌کنیم تا اسرائیل بداند که ما درس آزادگی را از سیدالشهدا آموخته‌ایم و از بمباران او نمی‌ترسیم».

عکس: هشتپوری | امیر رستمی

محرم رنگ و بوی شهادت گرفت

چند نوجوان در حال زدن پرچم در کوچه‌های میدان قیام، نزدیک حسینیه هدایت هستند، در گرمای ۳۸ درجه تهران و درحالی‌که خرابی‌های جنگ هنوز دیده می‌شود مهدی باید ۲۰ پرچم نصب کند. «دایی یکی از بچه‌ها شهید شده اما آمده و در حال نصب پرچم است. ما از هیچ چیز نمی‌ترسیم و حتی فکر کنم امسال محرم پرشورتر برگزار شود. امسال صدها شهید دادیم که برای آنها هم باید عزاداری کنیم و به اسرائیل و آمریکا بگوییم که ما دست پرورده امام حسینیم؛ ما که ۹۲ میلیون نفریم، قربان امام حسین که با ۷۲ نفر ربه‌روی دشمن ایستاد و نامش بیشتر از ۱۴۰۰ سال است که زنده مانده.»

عشق به ابا عبدالله که جنگ نمی‌شناسد

در خیابان مختاری تهران، منطقه وحدت اسلامی نزدیک فرودگاه مهرآباد، تمام تکیه‌ها و حسینیه‌ها سیاه‌پوش شدند و حتی یک جا شربت پخش می‌کنند. چند نفر مشغول تمیز کردن علم عزاداری هستند. مرتضی می‌گوید: «ماقبل از آتش‌بس و وسط بمباران تهران مشغول زدن سیاهی و آماده کردن تکیه بودیم. حتی ادامه هم پیدای می‌کرد و شدیدتر می‌زدند ما هیبت را بر گزار می‌کردیم. اتفاقاً امسال باید هیبت‌ها را بهتر بر گزار کنیم چون عشق ابا عبدالله که جنگ نمی‌شناسد.»

اسرائیلی‌ها هیبت‌های امسال را بیشتر ببینند

سهراب، آرایشگر معروف خیابان مختاری هم پشت شیشه مغازه را سیاهی زده و حتی لباس مشکی هم پوشیده است. «واقعاً فکر کردید که جنگ باعث می‌شود مردم بترسند و سیاهی بزنند و هیبت نگیرند؟ همه سال به محرم و روز تاسوعا و عاشورا زنده‌ایم، امسال که جای خود دارد ای کاش اسرائیلی‌ها هیبت‌های امسال را ببینند که چطور پرشورتر بر گزار می‌شود، این حملات باعث شده که عشق به امام حسین(ع) بیشتر شود به‌خصوص بین جوان ترها. قربان امام حسین بروم که اسمش شور و محبت می‌آورد و حال همه را بهتر می‌کند.»

آرش ۱۴۰۴چند روزی بیشتر از شهرنشینی‌اش نمی‌گذرد، اما به اندازه عمری طولانی تجربه اندوخته؛ از جریان معمولی زندگی تا جنگ موشکی، آتش‌بس، وطن‌داری و رزم‌آوری نیروهای پدافند هوایی که حالا، پهلوان نامشان می‌دهد.

روایت‌ساز دوم

آرش در روزهای نبردآمد

چند روایت از میدان هفتم تیر تا میدان ونک

سحر جعفریان عصر

روزنامه‌نگار

پدافند و جنگ در بخت آرش است؛ هم آن دوران که باستان و اساطیر بود و بر بام دماوند در امل و حومه طبرستان ایستاده بود تا مرز ایران را به درخت گردویی روئیده در ماوراءالنهر رساند و هم حالا که بعد از کلی پس رفتن و پیش آمدن در انواع تقویم از بابلی و قمری تا خورشیدی، یکی از روزهای پایانی خرداد ۱۴۰۴ است و عده‌ای پهلوان کماندار را وسط میدان ونک روی پایهای فولادی جای می‌دهند.

جنگ ایران و توران است؛ آرش با همه توش و توانش چله کمانش را می‌کشد؛ آنچنان که به قول برخی شاعران انگار جانش را پای تیری که قرار است کار صدهزاران تیغه شمشر کند، گذاشته است. آفتاب خرداد بر پیاده و سواره گرد میدان ونک تبغ می‌کشد؛ آنها که از اتفاق جنگ و بر تاپ پهاد و شلیک پدافند در یکی دو روز آینده بی‌خبرند. قد بلند (۱۵ متر) و تنه توموند آرش (۶ تن) از تسیمه و زنجیرهای رنگار گرفته جرثقیل آویزان است. راننده جرثقیل عرق پشانی و شقیقه‌هایش را با گوشه مچاله دستمال بزدی می‌گیرد. «روی صفحه پایه است؟ بذارمش؟» آرش به بالای دماوند رسیده؛ یک طرف، منوچهر و سپاه ایرانی و طرف دیگر، افراسیاب و لشکر تورانی. «گذری، ضرر کردی... حراج شال و روسری‌های تابستونی...» و دادزنی باقی دستفروشان میدان که در صدای بوق و ترافیک و دهقان محمدی (سازنده تندیس آرش کماندار) می‌پیچد: «خوبه... آروم آروم بیارش پایین...» آرش برنژین از وسط میدان ونک با تیر و کمانی سوی شمال شرقی، سسوی قله دماوند که از فرازش تا درخت گردویی در ماوراءالنهر تیر مررداری انداخته‌بود، پیدا است. آرش ۱۴۰۴ چند روزی بیشتر از شهرنشینی‌اش نمی‌گذرد، اما به اندازه عمری طولانی تجربه اندوخته؛ از جریان معمولی زندگی تا جنگ موشکی، آتش‌بس، وطن‌داری و رزم‌آوری نیروهای پدافند هوایی که حالا، پهلوان نامشان می‌دهد.

کمانداری آرش وسط توتستان مستوفی الممالک

قرار بود ۳۱ خرداد از تندیس یال و کوبال دار پهلوان آرش، رونمایی شود؛ مراسمی باشکوه و به یادماندنی. اما جنگ متجاوز، تحمیل شد. ۲۰ روز انفجار، آوار، خون و چه خوب که به ایران دوستی هم گذشت و چه خوب‌تر که ایران دوستی‌مان را آرش ۱۴۰۴ اید؛ آرش‌ی که خود تمثیل وطن‌دوستی است. از وسط میدان ونک که روزگاری توتستان بود و میرزا حسن خان مستوفی الممالک (وزیر و نخست‌وزیر قاجار) میانش به تمول و تمکن با ده غیب می‌انداخت. آمد و شد پهباده‌ها را دید؛ پهبادهایی که اغلب از شلیک افسران، گروه‌بانیان و استواران در پدافند هوایی درامان نامانند.

تیر آرش و شلیک سرباز

آتش‌بس است و دوباره زندگی به ریل و روال افتاده است. خودروها و اتوبوس‌های تندرو یکی پس از دیگری می‌روند و می‌آیند. دستفروشان به حاشیه پیاده‌روی میدان ونک بازگشته‌اند و حالا چشم خیلی‌ها برای دقایقی به تندیس آرش که زه کمانش را کشیده، قفل می‌شود. برخی‌شان که میدان ونک مسیر همیشگی‌شان است پیش‌تر در بلوای جنگ، خنم‌های دیگری هم بودند. یک‌دفعه بودند. بر خسی مثل مهرنوش که منشی کلینیک جراحی زیبایی همان حوالی است و پیش از ظهر ۲ تیرماه را خوب به‌خاطر دارد: «دوم تیر بود. یک روز قبل از آتش‌بس. توی بی‌آر تی نشسته بودم. خانم‌های دیگری هم بودند. یک‌دفعه گوشمان از صدای انفجار سوت کشید... از بالای میدان دود غلیظی به هوارفت... سرم را از شیشه اتوبوس بیرون بردم... آره، یادم آمد... آن لحظه قبل از انفجار و دود، تندیس آرش را دیدم... دلم قرص شد... اگر صدای گریه یکی از آن خانم‌های اتوبوس سوار نبود توی دهنم مشغول آپدیت کردن حماسه آرش کمانگیر با جانفشانی سربازان ایران امروز بودم.»

آروایت مجسم از پایمردی و پیروزی

شهادت به وقت امداد

نیروهای امدادی هلال احمر در این ۱۲ روز در کنار آتش‌نشانی و کادر درمان، بازوی کمک‌رسانی به آسیب‌دیدگان و مجروحان جنگی بودند؛ امدادگرانی که بعد از هر حمله به سرعت خود را به منطقه مورد اصابت جنگنده‌های دشمن می‌رساندند و به یاری مجروحان و مصدومان می‌شتافتند. روایت حسین کولیوند، رئیس سازمان هلال احمر را بخوانید:

۸۲۰۰

امدادگر فعال در جنگ

۵۰۲

عملیات امدادی

۴۰۳۰

سامانه برای تاب‌آوری و مشاوره روانشناسی جنگ

۹۹۰۰

ایرانی، خدمات روانشناسی دریافت کردند

۴

شهید امدادگر در این ۱۲ روز

نحوه فعالیت داروخانه‌های هلال احمر

شبانه‌روزی فعالند

وضعیت دارو

کمبود در تولید و توزیع نداریم

اقدام هلال احمر در قبال حمله اسرائیل به امکانات و نیروها

شکایت خودمان را به دادستان دیوان کیفری بین‌المللی به‌دلیل حمله به آمبولانس هلال احمر، شهادت امدادگران داوطلب، غیرنظامیان، کودکان و مراکز بهداشتی ارائه کرده‌ایم.

تماشای گزارش

تندیس مبارک و ناترازی مزمن فراموش شده

آرش ۱۴۰۴خوش عکس است که خیلی‌ها راه به وسط میدان، بای تندیسش کج می‌کنند و تند تند شا تر سلفی می‌زنند. یکی، هم عکس برمی‌دارد و هم انگار حماسه‌سرایی می‌کند: «می‌دانی ۱۳ تیر یعنی چند روز دیگر جشن تیرگان است... جشنی برای یادبود روزی که آرش ایرانی رفت نوک دماوند و تیسر انداخت تا آن طرف رود جیحون؟» دیگری دوربین تلفن همراه را دور و اطراف صورتش می‌چرخاند؛ طوری که ره زابویه زیبای خود و هم قدوبالای رعنسای آرش در کادر قرار بگیرد. کادر دلخواهش را که پیدا می‌کند، می‌گوید: «جناپ آرش خان الان با تکنیک‌های جنگ موشکی هم آشنا شده...» بوی خوش از بساط رنگارنگ گل فروش قدیمی ضلع شمال شرقی میدان پر انبساط است. مشتری‌هایش معمولاً ناگفته و از کارکنان واحدهای تجاری و مراکز اداری اطرافند: «از روز پنجم جنگ، ببساط گل‌هایم را پهن کردم... مشتری کم بود، ولی همان تعداد کم دلگرم و امیدوار می‌شدند...» کرکره همه مغازه‌ها بالاست و بازار چانه‌زنی هم گرم. موتورهای مساکرکش، تنگ تاکسی‌ها ردیف شده‌اند. یک طور متفاوتی آرام و خوش خلق هستند، کمتر از ناترازی مزمن دخل و خرجشان حرف می‌زنند و بیشتر از بیروزی و خوش‌قدمی آرش خوشحالند.